



## فهرست مطالب

۷	پیشگفتاری بر نسخه‌ی تلاس از «درباره‌ی درد»
۳۳	مقدمه‌ی مترجم انگلیسی
۵۹	«درباره‌ی درد»
۱۱۱	یادداشت‌های «درباره‌ی درد»

## پیشگفتاری بر نسخه‌ی تلاس از «درباره‌ی درد»

راسل ای. برمان

درباره‌ی درد ارنست یونگر به جریان موسوم به «انقلاب محافظه‌کاری» در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ میلادی آلمان تعلق دارد، نقدی بدبینانه بر فرهنگ و جامعه‌ی جمهوری وایمار و، در کل، بر مدرنیته‌ی لیبرال. انقلابیون محافظه‌کار بر اساس مقدمات قرن نوزدهمی، به‌ویژه افکار نیچه، تحقیری سرسختانه نثار «ارزش‌های بورژوایی» فردگرایی و احساسات رقیقه کردند و کل میراث روشنگری را به سخره گرفتند، و هم‌زمان، چشم‌دوخته به استقرار قریب‌الوقوع نظم جدید برساخته از جوهره‌ای خشن، همچون نیچه مدعی فقدان ارزش و کیفیت در زندگی مدرن شدند. گرچه وقتی نیچه به مدد اسطوره‌ی «ابرانسان» به منزله‌ی بدیلی نخبه‌گرایانه<sup>۱</sup> به مقابله با این انحطاط و هم‌سطح‌گرایی دموکراتیک برخاست، انقلابیون محافظه‌کار، به‌ویژه ارنست یونگر، کوشیدند یک قهرمان‌گرایی<sup>۲</sup> نوین را که از دل دنیای تکنولوژیک، جامعه‌ی تکنولوژیک توده‌ای پدیدار می‌شد، تشخیص دهند. اگر محافظه‌کاران سنتی بر بازگشت به گذشته یا، دست‌کم، حفاظت از ارزش‌های سنت در برابر نیروهای مهیب پیشرفت پای می‌فشردند، انقلاب محافظه‌کاری بر این نظر بود که تحولات بنیادین در «کار»، در

<sup>1</sup> Aristocratic

<sup>2</sup> heroism

حال تکوین بود، دارد که برای خوانندگان انگلیسی‌زبان آشناتر است. این بدان معنی نیست که نقد فرهنگی چپ و راست، مکتب فرانکفورت و انقلابیون محافظه‌کار با هم تلاقی کرده‌اند، لیکن به طرز کاملاً قابل درکی همه آنها با مسائل مشابهی روبه‌رو شدند و پرسش‌هایی قابل تطبیق پیش رو نهادند. ناظران روشن‌بین تحولات اجتماعی یکسانی را، با وجود تمایز در نگرش، شرح می‌دادند که مطابقت آنها در بسیاری از موارد گریزناپذیر بود. با اینکه اندیشه‌ی سیاسی مرسوم سعی دارد همچنان تمایزی تروتمیز را بین چپ و راست حفظ کند، ما نباید از یافتن مناطق خاکستری بین این دو، بدون خلط غیر ضروری و ناپخته‌ی مرزهای هویتی آن دو، نگران باشیم. مخالفت یونگر با خوش‌بینی احساساتی<sup>۱</sup> و پافشاری‌اش بر محوریت درد — که در تعریف او علاوه بر درد جسمانی فقدان، اندوه و مرگ را هم در بر می‌گرفت — در وضعیت بشری، شباهت بسیاری به سویه‌ی تاریک بدبینی شوپنهاوری دارد که با افکار ماکس هورکهایمر بسیار همپوشان است. اعتقاد بی‌مایه‌ی جمعی به روشنی آینده و «پیشروی» بشر، که پیشرفت‌گرایی نام گرفت، دیگر محلی از اعراب ندارد. پیامدهای حساسیت تراژیک هرچه باشد — که البته پیامدهای محتمل مختلفی هست — ذهنیت خاص خوش‌بینی تاریخی را از کار می‌اندازد. البته حساسیت تراژیک در یونگر و هورکهایمر از مشاهدات خویش نتایج متفاوتی گرفت: یونگر یک گونه‌ی اجتماعی نوین، برآمده از وضعیت وجودی درد را پیش‌بینی می‌کند، در حالی که هورکهایمر بدبینی تاریخی خود را به بستری برای یک نقادی اجتماعی ممکن تبدیل می‌کند.

---

<sup>۱</sup> sentimental

جامعه‌ی معاصر، می‌توانست به وضعیتی بینجامد که با قدرت سازماندهی شده، انضباط و اراده‌ی معطوف به خشونت تعریف شود.

پیامد مدرنیزاسیون پیشرفت‌گرا می‌توانست به نحوی متناقض نه به یک آرمان‌شهر استاندارد پیشرفته از انسان‌های آزاد و برابر، که به نظامی خودکامه، فراتر از هر چون‌وچرا ختم شود. در مقدمه‌ی مترجم این ویراست درباره‌ی درد، دیوید دورست<sup>۱</sup>، شرحی تحسین‌برانگیز و روشنگر درباره‌ی متن، زمینه‌ی آن و محبوبیت آن فراهم آمده است. جُستار<sup>۲</sup> یونگر سندی مهم از اندیشه‌ی آلمان در طلیعه‌ی سقوط دموکراسی وایمار به حساب می‌آید. دورست آن را در نسبت با سنت تاریخی - فکری آلمان و پاسخ‌های پیچیده‌ی آن به مسئله‌ی مدرنیته برمی‌رسد. موضع «واقع‌گرایی قهرمان‌گرایانه» به‌عنوان نشانگان<sup>۳</sup> پدیداری فرهنگی نوین در نظر گرفته شد، که دورست رد آن را در نقاط عطف جُستار یونگر یافته است. درباره‌ی درد یک سند تاریخی اجتناب‌ناپذیر برای هر آن کسی است که مایل است پایه‌های فرهنگی و سیاسی ظهور پدیده‌ی هیتلر را درک کند.

فارغ از تبلیغات رسمی دوران، نقد فرهنگی یونگر پیچیده، اندیشمندانه و همواره چالش‌برانگیز است، به‌گونه‌ای که یکسره از دیگر مُهملات نازی‌ها متمایز می‌نماید. بی‌جهت نیست که طبق شرح دورست، خیلی زود کار او به مقابله با حزب می‌کشد. به‌رغم برنهادهای غیرلیبرال یونگر، صادقانه باید گفت که کار او شباهت عجیبی به نظریه‌ی نقادی مکتب فرانکفورت، که در همان دوران در

<sup>1</sup> David durst

<sup>2</sup> essay

<sup>3</sup> symptom